

سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد
در جمهوری اسلامی ایران

تألیف:
دکتر میثم فرخی

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۱۵
مقدمه.....	۱۷
بخش اول: مبانی نظری پژوهش.....	۲۵
فصل اول: بررسی نظری دین، دولت و فرهنگ.....	۲۷
۱. بررسی نظری دین و دولت.....	۲۷
۱.۱. مفهوم دولت.....	۲۷
۲.۱. مفهوم دین.....	۳۱
۳.۱. تعامل دین و دولت.....	۳۵
۱.۳.۱. طبقه‌بندی دو وجهی دین دولتی و دولت دینی.....	۳۶
۲.۳.۱. الگوی دو وجهی اسمیت.....	۳۷
۳.۳.۱. الگوی سه وجهی وبری.....	۳۸
۴.۳.۱. الگوی پنج وجهی پانیکار.....	۳۹
۵.۳.۱. الگوی پنج وجهی شجاعی‌زند.....	۴۰
یک. قیصر - پاپیسم.....	۴۰
دو. اراستیانیسم.....	۴۱
سه. تقابل.....	۴۲
چهار. روحانی‌سالاری.....	۴۳
پنج. دین‌سالاری.....	۴۳
۲. بررسی نظری دولت و فرهنگ.....	۴۴

- ۱.۲. مفهوم فرهنگ ۴۴
- ۱.۱.۲. تعاریف فرهنگ ۴۶
- یک. تعاریف تشریحی (وصف‌گرایانه) ۴۶
- دو. تعاریف تاریخی ۴۶
- سه. تعاریف هنجاری ۴۷
- چهار. تعاریف روان‌شناختی ۴۷
- پنج. تعاریف ساختاری ۴۷
- شش. تعاریف تکوینی (پیدایش‌شناختی) ۴۷
- ۲.۲. مفهوم سیاست ۵۰
- ۱.۲.۲. سیاست‌گذاری عمومی ۵۲
- ۲.۲.۲. سیاست‌گذاری فرهنگی ۵۵
- ۳.۲.۲. سیاست‌گذاری فرهنگی و سیاست‌گذاری هنری ۵۸
- ۴.۲.۲. انواع سطوح سیاست‌گذاری فرهنگی ۵۹
- ۳.۲. رویکردهای نظری درباره‌ی سیاست‌پذیری یا سیاست‌ناپذیری فرهنگ ۶۰
- ۱.۳.۲. دیدگاه‌های (رویکردهای) کلاسیک ۶۰
- یک. دیدگاه افلاطونی ۶۰
- دو. دیدگاه ارسطویی ۶۱
- ۲.۳.۲. دیدگاه‌های (رویکردهای) معاصر ۶۲
- یک. دیدگاه دولتی ۶۲
- دو. دیدگاه بازارمحور ۶۳
- سه. دیدگاه ارتباطی ۶۴
- ۴.۲. الگوهای سیاست‌گذاری فرهنگی ۶۶
- ۱.۴.۲. الگوی ماتریسی سیاست‌گذاری فرهنگی ۶۶
- ۲.۴.۲. الگوی آرمان‌گرا (آرمان‌شهرگرایی) ۶۹
- ۳.۴.۲. الگوی سنتی (نخبه‌گرا) ۷۱
- ۵.۴.۲. الگوی توسعه‌گرا ۷۲
- ۶.۴.۲. الگوی تکثر و حقوق فرهنگی ۷۴
- ۵.۲. دوگانه‌های راهبردی و اساسی فرهنگ در حیطه سیاست‌گذاری فرهنگی ۷۶
- ۱.۵.۲. فرهنگ به مثابه هنر یا نظام اعتقادی و ارزشی (نگاه بخشی در مقابل نگاه کلان) ۷۶

۲.۵.۲. دموکراتیک کردن فرهنگ یا دموکراسی فرهنگی (همگانی کردن فرهنگ یا فرهنگ همگانی).....	۷۸
۷۸..... یک. دموکراتیک کردن فرهنگ	۷۸
۷۹..... دو. دموکراسی فرهنگی	۷۹
۸۱..... ۳.۵.۲. فرهنگ به مثابه ارزشی قائم به ذات یا ابزاری برای توسعه	۸۱
۸۲..... ۴.۵.۲. عامه‌گرایی در مقابل نخبه‌گرایی	۸۲
۸۴..... ۶.۲. نقش‌ها، رویکردها و سطوح دخالت دولت در حوزه‌ی فرهنگ	۸۴
۸۴..... ۱.۶.۲. نقش‌های دولت در حوزه‌ی فرهنگ	۸۴
۸۴..... یک. نقش تسهیل‌گر (Facilitator)	۸۴
۸۵..... دو. نقش حامی (Patron)	۸۵
۸۶..... سه. نقش معمار (Architect)	۸۶
۸۷..... چهار. نقش مهندس (Engineer)	۸۷
۹۰..... ۲.۶.۲. رویکردهای مرتبط با دخالت دولت در حوزه‌ی فرهنگ	۹۰
۹۰..... یک. رویکرد خادمانه (Fidelity Approach)	۹۰
۹۲..... دو. رویکرد بازدارنده (Preventative Approach)	۹۲
۹۲..... سه. رویکرد اقتضائی (Situational Approach)	۹۲
۹۳..... چهار. رویکرد نظارتی (Supervisory Approach)	۹۳
۹۴..... پنج. رویکرد حمایتی (Supportive Approach)	۹۴
۹۴..... شش. رویکرد ضمانتی (Guarantee Approach)	۹۴
۹۵..... هفت. رویکرد خنثی (Null Approach)	۹۵
۹۶..... ۳.۵.۲. سطوح دخالت دولت در حوزه‌ی فرهنگ	۹۶
۹۶..... یک. سطح سیاست‌گذاری (Policy Making)	۹۶
۹۶..... دو. سطح بسترسازی، پشتیبانی و برنامه‌ریزی (Planing)	۹۶
۹۷..... سه. سطح اجرا (Implementation)	۹۷
۹۷..... ۳. نظریه‌ی ولایت فقیه	۹۷
۹۸..... ۱.۳. بدیهی بودن مسئله ولایت فقیه	۹۸
۹۹..... ۲.۳. لزوم تشکیل حکومت در عصر غیبت	۹۹
۱۰۰..... ۳.۳. گستره و قلمرو اختیارات ولی فقیه از منظر امام خمینی (علیه‌السلام)	۱۰۰
۱۰۴..... ۴.۳. ولایت فقیه و مصلحت (مقتضیات زمان و مکان در احکام اسلام)	۱۰۴
۱۰۸..... ۵.۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۱۰۸

فصل دوم: مسجد و نظام اسلامی.....	۱۱۱
قسمت اول: اقدامات سیاستی پیامبر اکرم (ﷺ) در حوزه‌ی مسجد.....	۱۱۱
۱. تأسیس نهاد عمومی مسجد.....	۱۱۳
۲. تعیین موقعیت امامان جماعت.....	۱۱۸
۳. تعیین مسجد به مثابه جایگاه طرح مسائل علمی - آموزشی.....	۱۱۹
۱.۳. برگزاری جلسات علمی در مسجد.....	۱۱۹
۲.۳. تأکید بر طرح مباحث مفید فایده برای مسلمانان در مسجد.....	۱۲۱
۳.۳. برگزاری جلسات پرسش و پاسخ در مسجد.....	۱۲۳
۴.۳. برگزاری مناظرات فردی و گروهی در مسجد.....	۱۲۵
۴. بسیج اجتماعی مسلمانان (تجیش جیوش مسلمانان) در مسجد.....	۱۲۸
۱.۴. اعزام سپاهیان اسلام از مسجد.....	۱۲۸
۲.۴. مشورت و مشاوره با مسلمانان جهت تدارک آن‌ها به سوی جبهه‌های نبرد.....	۱۳۰
۵. استقرار مسجد به مثابه‌ی پایگاه وحدت و همبستگی مسلمانان.....	۱۳۱
۱.۵. شرکت در صفوف نماز جماعت منسک وحدت‌بخش دینی.....	۱۳۱
۲.۵. بیعت با تازه مسلمانان در مسجد.....	۱۳۳
۳.۵. اخراج منافقان از مسجد.....	۱۳۴
۴.۵. حضور زنان در مسجد تمرین همبستگی دینی.....	۱۳۵
۶. خبررسانی و اطلاع‌دهی به مسلمانان از طریق مسجد.....	۱۳۶
۷. مددکاری اجتماعی مسلمانان در مسجد.....	۱۳۸
۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....	۱۴۱
قسمت دوم: مسجد از دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی ایران (بررسی دیدگاه‌های امام خمینی (ﷺ) و آیت‌الله خامنه‌ای).....	۱۴۸
۱. مسجد در دیدگاه امام خمینی (ﷺ).....	۱۵۰
۱.۱. رویکرد توصیفی.....	۱۵۰
۱.۱.۱. محوریت مسجد در سیره نبوی.....	۱۵۰
۲.۱.۱. چندمنظوره (چندکارکردی) بودن مسجد در عصر پیامبر (ﷺ).....	۱۵۱
۳.۱.۱. مسجد محل اداره‌ی حکومت در عصر نبوی.....	۱۵۴
۲.۱. رویکرد تطبیقی.....	۱۵۵
۳.۱. رویکرد تجویزی.....	۱۵۶
۱.۳.۱. حفظ و رونق مساجد توسط مسئولان نظام.....	۱۵۶

۱۵۸.....	۲.۳.۱. حضور و مشارکت فعال مردم در مسجد.....
۱۶۰.....	۳.۳.۱. اداره‌ی امور مسلمانان با محوریت مسجد.....
۱۶۲.....	۲. مسجد از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای.....
۱۶۲.....	۱.۲. رویکرد توصیفی.....
۱۶۲.....	۱.۱.۲. محوریت مسجد در سیره‌ی نبوی.....
۱۶۵.....	۲.۱.۲. چندمنظوره (چندکارکردی) بودن مسجد در عصر پیامبر (ﷺ).....
۱۶۶.....	۲.۲. رویکرد تطبیقی.....
۱۶۸.....	۳.۲. رویکرد تجویزی.....
۱۶۸.....	۱.۳.۲. حفظ و رونق مساجد توسط مسئولان نظام.....
۱۶۹.....	۲.۳.۲. لزوم محوریت مسجد در جامعه‌ی اسلامی.....
۱۶۹.....	۳.۳.۲. حرکت به سمت مساجد چندمنظوره یا چندکارکردی.....
۱۷۱.....	۴.۳.۲. مدیریت و اداره مطلوب مسجد ذیل ائمه‌ی جماعات.....
۱۷۵.....	۵.۳.۲. حضور و مشارکت فعال مردم در مسجد.....
۱۷۶.....	۶.۳.۲. عمران و آبادانی مسجد توسط اقشار مختلف مردم.....
۱۸۳.....	۷.۳.۲. تأکید بر رفع اختلافات درونی در مسجد.....
۱۸۵.....	۳. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری.....
۱۹۱.....	بخش دوم: سیر سیاستی مسجد پس از انقلاب اسلامی تا سال ۱۳۹۲.....
۱۹۳.....	مقدمه.....
۱۹۵.....	۱. دهه اول (۱۳۵۷-۱۳۶۷).....
۱۹۷.....	۲. دهه دوم (۱۳۶۸-۱۳۷۸).....
۱۹۸.....	۳. دهه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۹).....
۲۰۱.....	۴. دهه چهارم (۱۳۹۰-۱۳۹۲).....
۲۰۳.....	۵. جمع‌بندی و تحلیل نهایی.....
۲۰۴.....	۱.۵. تحلیل اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران در خصوص سیاست‌های مرتبط با حوزه‌ی مسجد.....
۲۱۴.....	۲.۵. تحلیل اسناد وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط با حوزه‌ی مسجد.....
۲۲۱.....	بخش سوم: سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران (بررسی دیدگاه‌های خبرگان حوزه‌ی مسجد).....
۲۲۳.....	مقدمه.....
۲۲۴.....	۱. روش گردآوری داده‌های پژوهش.....

۲. روش نمونه‌گیری ۲۲۵
۳. روش تجزیه و تحلیل داده‌های پژوهش ۲۲۸
- ۱.۳. کدگذاری توصیفی ۲۳۰
- ۲.۳. کدگذاری تفسیری ۲۳۸
- ۳.۳. یکپارچه‌سازی از طریق مضامین فراگیر ۲۸۰
- ۴.۳. تشریح شبکه‌ی مضامین ۲۸۱
- ۱.۴.۳. دیدگاه نظری دخالت حکومت در حوزه‌ی مسجد ۲۸۲
- یک. مشارکت حداکثری مردم پیرامون مسجد ۲۸۲
- دو. سیاست‌گذاری نیمه‌متمرکز حکومت در حوزه‌ی مسجد ۲۸۵
- ۲.۴.۳. رویکردهای دخالت حکومت در حوزه‌ی مسجد ۲۸۸
- یک. رویکرد حمایتی ۲۸۸
- الف. مساعدت حکومت در زمینه‌ی پیش‌بینی و اختصاص زمین رایگان به مردم
جهت ساخت مساجد ۲۸۹
- ب. رایگان نمودن هزینه‌های آب، برق و گاز مساجد ۲۹۰
- ج. اختصاص و تأمین بودجه برای مساجد ۲۹۰
- د. تأمین معیشت امامان جماعت و خدام ۲۹۲
- و. مساعدت حکومت در زمینه‌ی طراحی و ساخت مساجد ۲۹۳
- ه. مساعدت حکومت در تهیه‌ی آمار و سرانه‌ی دقیق مساجد ۲۹۴
- دو. رویکرد ضمانتی ۲۹۵
- الف. تصویب قوانین و مقررات توسط حکومت پیرامون مساجد ۲۹۵
- ب. کاهش روند بروکراتیک پیرامون مساجد ۲۹۶
- ج. لحاظ نمودن مالیات مردم به مساجد توسط حکومت (به مثابه‌ی مالیات
حکومتی) ۲۹۷
- سه. رویکرد نظارتی ۲۹۹
- چهار. رویکرد اقتضائی ۳۰۰
- ۳.۴.۳. حکومت و سازمان‌های فرهنگی مرتبط با حوزه‌ی مسجد ۳۰۲
- یک. سازمان‌های مرتبط با مسائل سخت‌افزاری مسجد ۳۰۲
- الف. جایگاه سازمان‌های مرتبط با عمران مسجد ۳۰۲
- ب. جایگاه سازمان‌های مرتبط با پراکندگی مسجد ۳۰۳
- ج. جایگاه سازمان‌های مرتبط با مساجد چندمنظوره یا چندکارکردی ۳۰۴

د. جایگاه سازمان‌های مرتبط با مسجد و وقف.....	۳۰۶
دو. سازمان‌های مرتبط با مسائل نرم‌افزاری مسجد.....	۳۰۷
الف. جایگاه سازمان‌های مرتبط با امامان جماعت مسجد.....	۳۰۷
ب. جایگاه سازمان‌های مرتبط با هیئت امناء و خدام مسجد.....	۳۰۸
ج. جایگاه سازمان‌های مرتبط با اختلافات درونی مسجد.....	۳۰۹
د. جایگاه سازمان‌های مرتبط با مسجد و ارتباطات جمعی.....	۳۱۰
بخش چهارم: جمع‌بندی و نتیجه‌گیری: ارائه الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران.....	۳۱۳
مقدمه.....	۳۱۵
۱. تعریف مختار محقق از مسجد.....	۳۱۵
۲. ارائه الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران.....	۳۱۶
۳. تشریح ابعاد الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران.....	۳۲۱
۴. پیشنهادات.....	۳۵۴
۱.۴. پیشنهادهای مرتبط با موضوع سیاست‌گذاری مسجد.....	۳۵۴
۲.۴. پیشنهادهای مرتبط با حوزه‌ی مسجد.....	۳۵۵
منابع و مأخذ.....	۳۵۷
نمایه.....	۳۷۱

فهرست جدول‌ها

جدول ۱- برخی تعاریف دولت از منظر اندیشمندان و متفکران.....	۳۰
جدول ۲- الگوهای تعامل دین و دولت.....	۴۳
جدول ۳- برخی تعاریف فرهنگ بر اساس رهیافت‌های مختلف.....	۴۸
جدول ۴- دیدگاه‌های مطرح در حوزه‌ی سیاست‌پذیری یا سیاست‌ناپذیری فرهنگ.....	۶۵
جدول ۵- مختصات الگوی آرمان‌گرا.....	۷۱
جدول ۶- مختصات الگوی توسعه‌گرا.....	۷۳
جدول ۷- مقایسه تطبیقی الگوهای اصلی سیاست‌گذاری فرهنگی.....	۷۵
جدول ۸- دیدگاه «چارترند» و «مک کافی» پیرامون نقش‌های دولت در حوزه‌ی فرهنگ.....	۸۸
جدول ۹- نقش‌های دولت در حوزه‌ی فرهنگ.....	۸۹
جدول ۱۰- رویکردهای مرتبط با دخالت دولت در حوزه‌ی فرهنگ.....	۹۵
جدول ۱۱- سطوح دخالت دولت در حوزه‌ی فرهنگ.....	۹۷
جدول ۱۲- مختصات نظریه‌ی ولایت فقیه از دیدگاه امام خمینی (علیه‌السلام).....	۱۰۸
جدول ۱۳- بررسی دیدگاه رهبران جمهوری اسلامی ایران پیرامون حوزه‌ی مسجد.....	۱۸۵
جدول ۱۴- وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط با حوزه‌ی مسجد.....	۱۹۴
جدول ۱۵- جمع‌بندی اهم مسائل سیاستی حوزه‌ی مسجد برگرفته از اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران.....	۲۰۷
جدول ۱۶- جمع‌بندی اهم مسائل سیاستی مسجد برگرفته از اسناد سیاستی وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط با مساجد.....	۲۱۸
جدول ۱۷- معرفی هر یک از مصاحبه‌شوندگان تحقیق.....	۲۲۶
جدول ۱۸- کدهای توصیفی و تعداد ارجاعات آن‌ها.....	۲۳۱
جدول ۱۹- کدگذاری تفسیری داده‌های حاصل از مصاحبه‌ها.....	۲۳۹
جدول ۲۰- کدهای تفسیری و برگزیده‌ی استنادات به آن‌ها در مصاحبه‌ها.....	۲۴۵

فهرست شکل‌ها

- شکل ۱- تقسیم‌بندی تعاریف دین ۳۴
- شکل ۲- الگوی پنج وجهی پانیکار ۳۹
- شکل ۳- تقسیم‌بندی تعاریف فرهنگ ۴۸
- شکل ۴- الگوی ماتریسی سیاست‌گذاری فرهنگی ۶۷
- شکل ۵- منطق طراحی الگوی ماتریسی سیاست‌گذاری فرهنگی ۶۹
- شکل ۶- اقدامات سیاستی پیامبر اکرم (ﷺ) در حوزه‌ی مسجد ۱۴۰
- شکل ۷- تعامل دین و دولت در سیره رسول اکرم (ﷺ) با محوریت مسجد ۱۴۴
- شکل ۸- نقش، رویکرد و سطح مداخله‌ی حکومت (سیره نبوی) در نهاد مسجد ۱۴۴
- شکل ۹- مسجد در دیدگاه امام خمینی (ره) ۱۶۱
- شکل ۱۰- مسجد در دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای ۱۸۴
- شکل ۱۱- نقش، رویکرد و سطح مداخله‌ی حکومت در نهاد مسجد از منظر رهبران جمهوری اسلامی ایران ۱۸۹
- شکل ۱۲- شبکه‌ی مضامین تولید شده پیرامون دیدگاه خبرگان پیرامون سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران ۲۸۱
- شکل ۱۳- چارچوب کلی الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران ۳۱۸
- شکل ۱۴- الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران ۳۱۹
- شکل ۱۵- الگوی مطلوب مداخله‌ی سازمان‌های مرتبط با مسائل سیاستی حوزه مسجد ۳۲۰
- شکل ۱۶- سیاست‌گذاری نیمه متمرکز حکومت در حوزه‌ی مسجد ۳۳۰

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

فَضَّلَنَا عَلَيَّ كَثِيرًا مِنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) که از سوی ریاست فقید دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند. از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل‌ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهره‌مندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم‌اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیان‌گذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید

می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) باتوجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت **مکتب علمی امام صادق (علیه السلام)** را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان‌شاءالله)

ولله الحمد

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

مسجد در فرهنگ اسلامی از جایگاه بسیار رفیع و والایی برخوردار است، به گونه‌ای که به‌عنوان خانه‌ی خدا بر روی زمین^۱، جایگاه پیامبران^۲ و بهترین مکان^۳ معرفی شده است. این پایگاه دینی در طول تاریخ اسلام نه فقط محل عبادت و مناجات بوده بلکه مرکز تصمیم‌گیری‌های مهم سیاسی، اقتصادی، نظامی و مکان نشر معارف دینی و کانون تربیت انسان‌های متعهد به‌ویژه جوانان و جایگاه حل معضلات امت اسلامی و محور وحدت مسلمانان و پشتوانه محکم برای نظام اسلامی محسوب می‌شده است. تأملی در سیره‌ی پیامبر اکرم (ﷺ) گواه این موضوع می‌باشد که رسول الله (ﷺ) پس از آنکه در مدت سیزده سال اول بعثت خود بستری لازم برای تشکیل نظام اسلامی مهیا کردند، با هجرت به مدینه سنگ بنای جامعه اسلامی را گذاشتند. ایشان در اولین اقدام پس از ورود به مدینه مکانی به نام مسجد تأسیس نمودند. پیامبر اکرم (ﷺ) در مسجد - به‌عنوان نخستین پایگاه و مجمع مسلمانان - به امور عبادی، آموزشی، تربیتی، فرهنگی، نظامی می‌پرداختند. به‌عبارت دیگر «این پایگاه مهم سیاسی و عبادی از صدر اسلام تاکنون نقشی حیاتی و عمیق در زندگی فردی و اجتماعی مردم داشته که با کارکردهای تأثیرگذار در میان جوامع مختلف اسلامی به‌عنوان قوی‌ترین و بنیادی‌ترین نهاد در تحولات عبادی، سیاسی، فرهنگی، اجتماعی و حتی نظامی مسلمانان مطرح و همواره منشأ خیرات و برکات فراوان و

۱. «الان بیوتی فی الارض المساجد، تضىء لاهل السماء كما تضىء النجوم لاهل الارض» (حر عاملی، ۱۴۰۳ق، ج ۱: ۳۸۱)

۲. «المساجد مجالس الانبیاء» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۳۱۳)

۳. «خیر البقاع المساجد» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۳: ۳۱۴)

چشمگیری بوده است» (رضایی، ۱۳۸۲: ۱۱۳-۱۲۵). امام خمینی (ره) در این زمینه می‌گوید: «مسجد در اسلام و در صدر اسلام همیشه مرکز جنبش و حرکت‌های اسلامی بوده؛ از مسجد تبلیغات اسلامی شروع می‌شده است و از مسجد حرکت قوای اسلامی برای سرکوبی کفار و وارد کردن آن‌ها در [زیر] بیرق اسلام بوده است. همیشه در صدر اسلام مسجد مرکز حرکات و مرکز جنبش‌ها بوده است» (صحیفه امام، ۱۳۷۰، ج ۷: ۶۵). به عبارت دیگر مساجد به‌عنوان کانون فعالیت‌های فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، قضایی و آموزشی تلقی می‌شده است. این مکان شریف و مقدس در واقع قلب تپنده جامعه اسلامی به شمار می‌آید اما متأسفانه امروز پس از گذشت چهار دهه از انقلاب اسلامی و شکل‌گیری نهادهای مختلف برای رفع نیازهای مادی و معنوی مردم چنین احساس می‌شود که پایگاه اصلی این حرکت که مساجد می‌باشند مورد غفلت و فراموشی قرار گرفته است و جایگاه خود را در منظومه‌ی فرهنگی، ارتباطی، تربیتی و دینی پیدا نکرده است (ابوالقاسمی، ۱۳۷۷: ۴۵) و حتی به نظر برخی «در حال حاضر بعد از گذشت بیش از یک ربع قرن از انقلاب اسلامی و تشکیل جمهوری اسلامی ایران، شاهد کم‌رنگ شدن نقش مساجد در جامعه هستیم. این بی‌رونی حتی در زمینه‌ی رسالت اولیه‌ی مساجد، برگزاری آداب و آیین‌های نیایشی هم محسوس است» (عابدی جعفری، ۱۳۸۴: ۳۲).

این در حالی است که بالغ بر ۷۰ هزار مسجد^۱ در کشور وجود دارد که گسترده‌ترین شبکه فراگیر اجتماعی را در جمهوری اسلامی ایران شکل می‌دهند اما نیازمند مدیریت و سیاست‌گذاری خلاق و پویا در سطح کلان جهت بهره‌برداری بهتر و دقیق‌تر از این نهادهای^۲ دینی است چرا که «در حال حاضر بیش از ۱۵ نهاد و سازمان به‌صورت

۱. «هیچ حزب یا گروهی دارای بیش از ۷۰ هزار پایگاه اجتماعی (همچون مساجد) نیست. فراگیرتر از مساجد نهاد مشترکی در جامعه جهانی و جهان اسلامی وجود ندارد» (ماهنامه مسجد، ۱۳۸۲: ۲۰).

۲. در مفهوم جامعه‌شناسی نهاد اجتماعی به معنی نظامی است از روابط اجتماعی ساخته و پرداخته و پایدار با هدفی مشخص که کنش آن از شخصیت افرادی که عهده‌دار آنند می‌گذرد و به افراد دیگری منتقل می‌شود و در طول زمان استمرار و مداومت پیدا می‌کند مانند خانواده، مکتب، مدرسه، دانشگاه، مسجد و... در داخل هر نهاد اجتماعی ویژگی اساسی نقش‌ها معین است و بر حسب نیاز افراد فرق می‌کند مثلاً دانشجویان به کلاس می‌آیند، اسامی آنان در دفتر ثبت می‌شود و به تحصیل می‌پردازند. در مسجد مردم می‌آیند و نماز می‌گذارند و تکالیف دینی خود را به‌جا می‌آورند (وثوقی و نیک خلق، ۱۳۷۶: ۱۴۷). بروس کوئن نیز نهاد را نظامی به نسبت پایدار و سازمان‌یافته از الگوهای اجتماعی می‌داند که برخی از رفتارهای نظارت شده و یکسان را با هدف برآوردن

پراکنده و منفک از هم و بدون انسجام و هماهنگی در مسجد فعال می‌باشند که متأسفانه به دلیل فقدان برنامه‌های راهبردی مشخص و نیز تعدد مراکز تصمیم‌گیری و شیوه‌های اجرایی ناهماهنگ غیر فراگیر و همچنین پراکندگی منابع مالی، امکانات و... موجب گردیده که قدرت اثرگذاری و جذب مردم به‌ویژه جوانان و نوجوانان را در حد انتظار از دست داده و نه تنها قدم‌های اساسی و چشم‌گیری در جهت ارتقاء جایگاه حقیقی مساجد برداشته نشده بلکه با برنامه‌هایی متشابه و متعارض و اجرای ناهماهنگ فعالیت‌ها اسباب دل‌سردی مردم و در حاشیه ماندن‌شان و جایگاه واقعی مساجد را به‌وجود آورده است (معاونت بقاع و اماکن متبرکه سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۶). این ارگان‌ها و سازمان‌ها به شرح ذیل می‌باشد:

مرکز رسیدگی به امور مساجد	سازمان تبلیغات اسلامی	سازمان اوقاف و امور خیریه
ستاد اقامه نماز	ستاد عالی نظارت بر کانون‌های فرهنگی و هنری مساجد	سازمان بسیج مستضعفین
وزارت مسکن، راه و شهرسازی	شورای عالی انقلاب فرهنگی	شورای عالی حوزه‌های علمیه
سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری	وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی	شورای اسلامی شهر
وزارت فناوری اطلاعات و ارتباطات	مجمع خیرین مسجدساز	شهرداری
وزارت نیرو	شورای سیاست‌گذاری ائمه‌ی جمعه‌ی کشور	وزارت نفت

این تنوع مراکز و سازمان‌های مرتبط با حوزه‌ی مساجد (با توجه به عدم هماهنگی و یکپارچگی میان آن‌ها) که هر کدام نگاه مخصوص به خود دارند و با در نظر گرفتن رویکردها و منظرهای خویش اقدام به فعالیت در مساجد می‌کنند، علاوه بر موازی‌کاری‌های مکرر، موجبات تشتت و پریشانی خاطر را در اذهان مخاطبان مساجد ایجاد کرده است و

نیازهای اساسی جامعه در بر می‌گیرد (کوئن، ۱۳۸۶: ۱۴۷) از منظر وی کارکرد نهادهای دینی (از جمله کلیسا، مسجد) شامل موارد ذیل می‌باشد:

۱. کمک به اشخاص در پیدا کردن هویت اخلاقی
۲. فراهم کردن تفسیرهایی که به تبیین محیط طبیعی و اجتماعی انسان کمک می‌کند
۳. تقویت روحیه اجتماعی، انسجام اجتماعی و همبستگی گروهی
۴. تقویت و تحکیم مبانی ارزشی زندگی انسانی و وحدت نوع بشر (همان: ۱۵۳).

بالتبع سبب پایین آمدن میزان کارایی و بهره‌وری عملکرد آن‌ها شده است. به عبارت دیگر «با مطالعه وضعیت فعلی مساجد کشور و بررسی سیستم حاکم بر آن‌ها به این نتیجه خواهیم رسید که مساجد کشور، فاقد سیستمی جامع، پویا و منعطف‌اند. سلیقه‌ای بودن هدف‌گذاری‌های کلان، فقدان برنامه‌ریزی‌های کارشناسانه، نبود افراد کارآمد و آموزش دیده، عدم کنترل و نظارت بر فعالیت‌ها و ارزیابی آن‌ها و از همه مهم‌تر پایین بودن اثربخشی و کارایی مساجد گواهی بر این مدعاست» (بنائی، ۱۳۹۱: ۱۶). به همین خاطر در این حیثه برای دستیابی به جایگاه ارزشمند و اعتلای مساجد کشور تحول در شیوه‌های مدیریت و سیاست‌گذاری جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌ی مساجد امری انکارناپذیر باشد. چرا که فقدان سیاست‌گذاری و مدیریت واحد در مساجد از جمله مشکلات اساسی این نهاد دینی است که از ابتدای انقلاب اسلامی تاکنون دست به گریبان مساجد کشور بوده است (معاونت بقاع و اماکن متبرکه سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۶).

در این زمینه به نظر می‌رسد پیرامون سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد - جهت ساماندهی ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط - می‌بایست به تبیین رابطه‌ی حکومت و مسجد (تعیین حدود و ثغور مداخله‌ی حکومت در حوزه مساجد) پرداخت. چرا که در ارتباط با موضوع مذکور (حضور یا عدم حضور حکومت در مساجد) دو نگاه کاملاً متفاوت وجود دارد. «عده‌ای معتقد بر عدم دخالت دولت - به‌عنوان بازوی اجرایی حکومت - در امر مسجد می‌باشند و این حضور را زمینه روگردانی و کاهش استقبال مردم در مدیریت و مشارکت فعال در مساجد می‌دانند. دلایلی را که این گروه برای صحت و تأیید نظرات خویش می‌آورند به‌طور خلاصه می‌توان چنین برشمرد: مسجد یک نهاد مدنی و غیر دولتی است و غالب مساجد کشور از صدر اسلام تاکنون توسط مردم با شکل‌دهی کمک‌های نقدی و جنسی و جاری ساختن سنت حسنه وقف بنا شده است. در ادوار گذشته که این همه مساجد در نهایت زیبایی و ظرافت ساخته شده است - و مردم تمامی ذوق و سلیقه‌های خود را در مساجد به‌کار برده‌اند - دولت‌ها نقشی آن‌چنانی در ایجاد یا کمک به آن نداشته‌اند (اگرچه مساجدی که در قالب مساجد سلطانی یا ارگ و ... مشهور بوده‌اند و توسط دولت‌ها ساخته شده‌اند، این ناشی از اهمیت و جایگاهی بود که مسجد در بین مردم دارا بوده و شاهان و سلاطین سعی نموده‌اند، از طریق ساخت مساجد تظاهر به تدین و دینداری و استفاده از احساسات عام مردم نمایند). وقتی مردم خودشان هزینه ساخت و

نگهداشت مساجد را می‌پردازند تمایلی ندارند که در زمان بهره‌برداری، نهادهای دولتی و ... در مدیریت و اداره آن و چگونگی انتخاب ائمه جماعات و فعالیت و اجرای برنامه دخالت نمایند. این عامل موجب کم میلی و عدم رغبت در ساخت و تجهیز مساجد می‌شود.^۱

در مقابل عده‌ای که موافق حضور دولت هستند، اعتقاد دارند، مساجد با توجه به گستردگی و وسعتی که در سطح کشور دارند، در توان مردم نیست (با توجه به شرایط معیشتی و وضع اقتصادی موجود) که بتوانند این حجم عظیم را ساخت و تجهیز و بازسازی نمایند.^۲ به همین خاطر ضروری است، دولت به کمک مساجد بشتابد. به اعتقاد این گروه، «مردمی اداره شدن مساجد یعنی همه چیز مساجد رها باشد و دولت هیچ‌گونه کمکی به این پایگاه‌های معنویت و انسان‌سازی ننماید، نگرشی درست و عمیق به مقوله مسجد نیست.... به اعتقاد آنان همین دیدگاه (مردمی اداره کردن مسجد) سبب شده تا برخی شرکت‌های دولتی با مساجد معامله تجارتخانه‌ای کرده و پول آب و برق آن را هم به قیمت تجاری محاسبه کنند...» (موظف رستمی، ۱۳۸۴: ۲۷۵-۲۷۶).

در همین زمینه (تبیین رابطه حکومت و مسجد) عده‌ای دیگر قائل به سه رویکرد متمایز و متفاوت می‌باشد. رویکرد نخست رویکرد تمرکزی است. بدین معنا که در کشور، سازمانی به‌صورت مستقل برای حوزه مسجد تشکیل شود و متولی انجام همه‌ی

۱. در این زمینه آیت‌الله مهدوی کنی نیز بر حفظ استقلال مساجد و عدم دولتی شدن آن تأکید دارند. برای مثال ایشان در جمع ائمه جماعات مسجد تهران به مناسبت چهارمین سالگرد تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد می‌گویند: «بنده شنیده‌ام بعضی از آقایان با شهرداری یا وزارتخانه به‌طور مستقیم تماس گرفته‌اند و کمک می‌گیرند، این کار صحیح نیست. مساجد را وابسته نکنید زیرا در جریان‌های سیاسی بدهکار می‌شوید. استقلال روحانیت را حفظ کنید. اگر مساجد آباد نشود، بهتر از این است که این‌طور آباد شود. به عقیده‌ی بنده، در امور مساجد از مردم کمک بگیرید» (سخنرانی آیت‌الله مهدوی کنی در جمع ائمه جماعات مسجد تهران به مناسبت چهارمین سالگرد تأسیس مرکز رسیدگی به امور مساجد، ۱۳۷۲/۸/۶ ماهنامه مسجد، شماره ۱۰، ۱۳۷۲: ۹۸). یا در ششمین گردهمایی ائمه جماعات تهران عنوان می‌کنند که: «...البته من با دولتی شدن مساجد و علما مخالفم. امام هم فرمودند که مساجد را وابسته به اوقاف نکنید. امام آینده‌نگری می‌کردند که مبدا این وابستگی‌ها سبب تضعیف علمای شیعه‌ای بشود که آن آزاد منشی و استقلال را داشتند و همواره حق را می‌گفتند (سخن آیت‌الله مهدوی کنی در ششمین گردهمایی ائمه جماعات تهران ۱۳۷۴/۸/۴ ماهنامه مسجد، شماره ۲۳، ۱۳۷۴: ۱۰۲).

۲. البته در این حیظه می‌توان به دلایل دیگری مانند دینی بودن حکومت و علاقه هویتی به مسجد با توجه به حضور روحانیون در مصادر حکومتی و حساسیت بالای حکومت‌مداران به این نهاد دینی بسیار اثرگذار و علاقه‌مندی ذاتی حکومت‌ها به مراکز قدرت مردمی اشاره نمود.

امور مربوط به مساجد کشور اعم از احداث و تأمین نیروی انسانی و اداره امور جاری آن گردد. رویکرد دوم این است که همین سیاق موجود در مدیریت مساجد کشور که در طی سی سال گذشته بوده است ادامه پیدا کند. این دیدگاه به عدم تمرکز کامل قائل است. استدلال اصلی هم این است که همین مساجد با همین وضعیت در انقلاب نقش اصلی داشته‌اند و در همه صحنه‌های دیگر بعد از انقلاب هم دارای عملکرد موفق بوده‌اند. رویکرد سوم بر ضعف‌هایی در وضع موجود مدیریت مساجد تأکید دارد و برای برطرف کردن آن به مدیریت نیمه‌متمرکز مساجد قائل است. بدین ترتیب که سیاست‌گذاری به صورت متمرکز صورت پذیرد ولی اداره مساجد در سطح اجرایی به صورت کاملاً غیرمتمرکز و با مشارکت کامل مردمی انجام شود. به عبارت دیگر این رویکرد قائل به مشارکت عموم مردم و عموم دستگاه‌های کشور در مدیریت مساجد می‌باشد. در این رویکرد مردمی بودن مساجد و مشارکت دولت در توسعه مساجد کشور نباید در تراحم و تعارض یکدیگر قرار گیرد بلکه دولت باید چنان در توسعه مساجد کشور مشارکت کند که مشارکت وی، باعث افزایش مشارکت مردم شود (معاونت بقاع و اماکن متبرکه سازمان اوقاف و امور خیریه، ۱۳۸۶).

با عنایت و ملحوظ داشتن رویکردهای فوق آنچه که در این میان بیش از همه لازم و ضروری به نظر می‌رسد، تعیین حدود و ثغور مداخله‌ی حکومت در حوزه مساجد می‌باشد.^۱ در این راستا تلاش محقق در این کتاب بر آن بوده تا مقدم بر هر چیز، سیر سیاستی نهاد مذکور پس از شکل‌گیری و به ثمر نشستن انقلاب اسلامی تا زمان فعلی

۱. به نظر می‌رسد یکی از گام‌های مهم در راستای تحقق «مسجد طراز اسلامی» - که نخستین بار توسط مقام معظم رهبری در پیام به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز (۱۳۸۹/۷/۲۰) مطرح شد - لزوم سیاست‌گذاری فرهنگی مطلوب در حوزه‌ی مسجد می‌باشد. «پدید آوردن هویتی به نام مسجد، نخست در قبا و سپس در مدینه، در شمار زیباترین و پرمغزترین ابتکارهای اسلام در آغاز تشکیل جامعه‌ی اسلامی است: خانه‌ی خدا و خانه‌ی مردم، خلوت انس با خدا و جلوت حشر با مردم، کانون ذکر و معراج معنوی و عرصه‌ی علم و جهاد و تدبیر دنیوی، جایگاه عبادت و پایگاه سیاست، دوگانه‌های به هم پیوسته‌ای است که تصویر مسجد اسلامی و فاصله‌ی آن با عبادتگاه‌های رائج ادیان دیگر را نمایان می‌سازد. در مسجد اسلامی، شور و بهجت عبادت خالص با نشاط زندگی پاک و خردمندانه و سالم، در هم می‌آمیزد و فرد و جامعه را به طراز اسلامی آن نزدیک می‌کند. مسجد، مظهر آمیختگی دنیا و آخرت و پیوستگی فرد و جامعه در دیدگاه و اندیشه‌ی مکتب اسلام است...» (پیام به نوزدهمین اجلاس سراسری نماز ۱۳۸۹/۷/۲۰).

(چهار دهه) مورد مطالعه و بررسی قرار دهد تا واکاوی سیر سیاستی مذکور - سیاست‌های ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط با مسجد - بتوان - در گام بعد - به الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران نائل شد و براساس آن حدود و ثغور مداخله‌ی حکومت در حوزه مساجد مشخص گردد و نیز جایگاه، نقش و وظایف ارگان‌ها و سازمان‌های مرتبط با حوزه مساجد معین شود و نوعی از وحدت و انسجام فرهنگی در حیطه این نهادهای دینی شکل بگیرد و بتواند باعث اعتلا و ارتقاء جایگاه مساجد در نظام اسلامی در جمهوری اسلامی ایران گردد.

شایان ذکر است که کتاب مذکور مشتمل بر ۴ فصل و چند مبحث مرتبط در هر فصل به شرح ذیل می‌باشد:

فصل اول این کتاب با عنوان «مبانی نظری پژوهش» از دو بخش تشکیل شده است که در بخش اول به بررسی نظری دین، دولت و فرهنگ پرداخته شده و نظریه‌ی ولایت فقیه امام خمینی (عج) به‌عنوان دیدگاه مختار محقق برگزیده و انتخاب شده است. در بخش دوم به جایگاه مسجد در نظام اسلامی پرداخته شده و تلاش نگارنده بر آن بوده تا اقدامات سیاستی پیامبر اکرم (ص) در حوزه‌ی مسجد و نیز دیدگاه‌های رهبران جمهوری اسلامی ایران (امام خمینی و مقام معظم رهبری) را تحلیل نماید.

فصل دوم کتاب نیز با عنوان «سیر سیاستی مسجد پس از انقلاب اسلامی تاکنون (۱۳۵۷-۱۳۹۲)» به اهم مسائل سیاستی مرتبط با حوزه‌ی مسجد که در ماهنامه‌ی مسجد (از شماره ۱ تا شماره ۱۷۰) منعکس یافته می‌پردازد و در ادامه‌ی این فصل سیاست‌های اتخاذ شده ناظر به اهم مسائل مذکور شامل اسناد بالادستی جمهوری اسلامی ایران و نیز اسناد وزارتخانه‌ها و سازمان‌های مرتبط با حوزه‌ی مسجد طی چهار دهه از انقلاب اسلامی مورد تحلیل و ارزیابی قرار می‌گیرد.

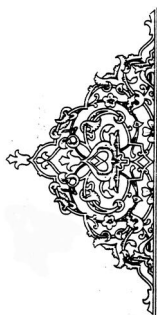
در فصل سوم کتاب «سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران: بررسی دیدگاه‌های خبرگان حوزه‌ی مسجد» نیز داده‌های کیفی به‌دست آمده از مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته با نخبگان حوزوی و علمی مرتبط با حوزه‌ی مساجد با استفاده از روش تحلیل مضمون (Thematic Analysis) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته و در نهایت نگارنده با طی کردن سه مرحله‌ی فرآیند تحلیل مضمون، دیدگاه خبرگان پیرامون سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران را احصا نموده که در آن «دیدگاه نظری دخالت

حکومت در حوزه‌ی مسجد»، «رویکردهای دخالت حکومت در حوزه‌ی مسجد» و «حکومت و سازمان‌های فرهنگی مرتبط با حوزه‌ی مسجد» به‌عنوان مضامین فراگیر تبیین شده است. در فصل چهارم کتاب «جمع‌بندی و نتیجه‌گیری» نگارنده تلاش نموده طی مصاحبه‌های صورت گرفته با خبرگان و تحلیل داده‌های به‌دست آمده از مختصات نظریه‌ی ولایت فقیه و دیدگاه‌های رهبران جمهوری اسلامی ایران در حوزه‌ی مسجد (امام خمینی و آیت‌الله خامنه‌ای) الگوی خود تحت عنوان الگوی مطلوب سیاست‌گذاری فرهنگی مسجد در جمهوری اسلامی ایران را ارائه نماید. در انتهای فصل نیز پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی در حوزه‌ی مسجد به پژوهش‌گران شده است.

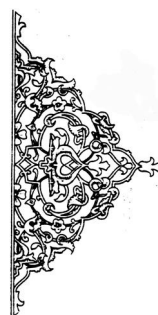
در پایان بر خود لازم می‌دانم از تمام کسانی که بنده را در راه به ثمر رسیدن این کتاب یاری نمودند، تقدیر و تشکر به عمل آورم و آرزوی موفقیت و عاقبت به خیری را برای آنان آرزو نمایم؛ به‌ویژه پدر و مادرم که دعای خیرشان همیشه بدرقه‌ی راهم بوده و هست و خواهد بود؛ از راهنمایی استاد ارجمندم جناب دکتر ناصر باهنر که با لطف و سعه صدر بنده را مورد راهنمایی و هدایت خود قرار دادند و در راستای انتشار این اثر از هیچ کوششی دریغ نکردند و نیز از زحمات و مشاوره‌های دلسوزانه جناب آقای دکتر حسام‌الدین آشنا و دکتر مصباح‌الهدی باقری کنی کمال تشکر و قدردانی را دارم. همچنین ضروری می‌دانم از دانشجویان معارف اسلامی و فرهنگ و ارتباطات که در طی دوران تحصیل به من لطف داشتند و از هیچ کمکی جهت نگارش این کتاب دریغ نوزیدند تشکر نمایم. در نهایت اگر کاستی و نقصی در پژوهش حاضر وجود دارد، ناشی از عدم دقت علمی نگارنده می‌باشد که ارائه‌ی پیشنهادات تکمیلی توسط صاحب‌نظران و اندیشمندان حوزه‌ی مسجد می‌توان بر غنای این بحث بیفزاید.

میثم فرخی

خرداد ۱۳۹۴



بخش اول:
مبانی نظری پژوهش



فصل اول:

بررسی نظری دین، دولت و فرهنگ

۱. بررسی نظری دین و دولت

۱.۱. مفهوم دولت

در مورد مفهوم دولت^۱ تاکنون مفهوم ثابت و مستقلى بیان نگردیده است. این پرسشی که «دولت چیست» یکی از ساده‌ترین و در عین حال مبهم‌ترین پرسش‌هایی است که در مبحث سیاست طرح می‌شود. پاسخ آن نیز می‌تواند به همان اندازه مبهم یا ساده‌اندیشانه باشد. دانشمندان علوم سیاسی واژه‌ی دولت را از دشوارترین واژگان دانسته‌اند زیرا نمی‌توان به درستی گفت که آیا دولت عنوانی است برای مجموعه‌ی نهادهای حاکم بر جامعه یا یکی از اجزای جامعه است، آیا مجموعه‌ی ارزش‌ها و باورها درباره‌ی حیات مدنی است یا ساختی از حاکمیت قانونی است. شاید یکی از دلایل پیچیدگی این مفهوم ربط و نسبت آن با مفاهیم سیاسی مرتبط با آن همچون حاکمیت، حکومت، جامعه، قانون و عامه‌ی مردم است^۲ (مهرنیا، ۱۳۹۰: ۳۴).

۱. واژه دولت یا state از واژه لاتین Status به معنای «موقعیت» یا «وضعیت» (Standing) برگرفته شده است اما کم‌کم معنای اصلی آن به «موقعیت سیاسی» که برتر یا برترین بود، بدل شد. در ایتالیاى قرون وسطی هدف صاحب‌منصبان و سرکردگان مردم این بود که تا حد ممکن مقام و موقعیت (Status) خود را حفظ کنند. در دوره‌ی گسترش حکومت استبدادی ایتالیا کسانی که این مقام و موقعیت را برعهده داشتند، توانستند موقعیت خود را به کل ساختار اداری و دیوانی اجتماعی وابسته بدانند. در آن دوره پس از دستیابی به این وضع، دولت و شهریار یکی شدند (وینسنت، ۱۳۸۱: ۳۶).

۲. اصطلاح حکومت (Government) یکی از معمول‌ترین مفاهیم است که به‌صورت هم‌معنا با مفهوم دولت به‌کار برده

ادامه در صفحه بعد

نکته‌ی دیگری که بر ابهام آن می‌افزاید، این است که روشن نیست آیا دولت یک امر انتزاعی است، چنانکه هگل می‌گوید یا یک امر ابزاری (کاپلستون، ۱۳۸۷، ج ۷: ۲۱۲). به نظر هگل «دولت صرفاً مجموعه‌ای از قوانین یا دستگاه اداری شخص حاکم نیست بلکه دارای معنایی عام، فراگیر و عمیق‌تر است. به باور وی نباید دولت را به‌عنوان پدیده‌ای قهرآمیز و قدرتی گریزناپذیر تلقی کرد بلکه مقوله‌ای است که از درون طبع آدمیان به‌عنوان موجوداتی عقلانی جوشیده است. در واقع او به‌جای «حیوان سیاست‌ورز» ارسطویی، «حیوان دولت‌مدار» را جایگزین می‌کند و دولت را ورای جامعه و خانواده می‌داند. حال آنکه در مقابل این نظریه دیدگاهی وجود دارد که دولت را صرفاً ابزار و وسیله‌ای می‌داند که توسط جامعه یا بخش‌هایی از جامعه برای مقاصد خاصی ایجاد شده است. این رویکرد به دولت، همان رهیافت مارکسیستی است که دولت را چونان ابزاری در دست طبقه‌ی حاکم به منظور حفظ مناسبات طبقاتی و اعمال فشار بر طبقات فرودست جامعه می‌داند» (مهرنیا، ۱۳۹۰: ۳۴-۳۵).

اختلاف نظر در مورد عدم توافق نظر متفکران و پژوهش‌گران سیاسی در مورد تعریف دولت بیش از هر چیز به گوناگونی اندیشه‌ها در مورد سرشت دولت می‌باشد که بر تعریف‌ها اثر می‌گذارد.^۱ به عقیده بورگس، «دولت، بخش خاصی از اجتماع نوع بشر است

می‌شود. اصطلاح حکومت معمولاً در قرون میانه به معنای فرمان راندن به‌کار برده می‌شد و خود از ریشه‌ی لاتینی gubernatio و gubernator به معنی راندن و راننده، مشتق شده بود اما در ادوار اخیر کلمه‌ی حکومت به قوه‌ی مجریه در مقابل قوه‌ی مقننه اطلاق می‌شود (وینسنت، ۱۳۸۱: ۳۶). در دانش سیاست معمولاً حکومت را مجموعه‌ای از سازمان‌های عمومی می‌دانند که به‌منظور تأمین روابط صحیح اجتماعی، حفظ نظم در جامعه، اجرای قوانین و تأمین مصالح عمومی به‌وجود می‌آید. گاه نیز به معنای قوه‌ی اجرایی - در نظام‌های قانونی جدید و مبتنی بر تفکیک قوا - آمده است (آشوری، ۱۳۶۶: ۲۴۱). به عبارت دیگر حکومت تنها به دستگاه مسئول فرآیند اداری اعمال حاکمیت سیاسی و متولی اداره‌ی امور کشوری منحصر می‌گردد این در حالی است که حکومت در جمهوری اسلامی ایران به نهاد فراگیری اطلاق می‌شود که علاوه بر دستگاه مجریه، قوای قانون‌گذاری (مقننه) و قضائیه و همچنین دیگر بخش‌هایی که به طریقی در شکل دهی و اعمال حاکمیت نقش دارند را در بر می‌گیرد و به تعبیر دیگر حکومت به معنای کلیت نظام و کشور می‌باشد (اما واژه دولت در جمهوری اسلامی ایران مطابق با قانون اساسی به معنای قوه‌ی مجریه است).

۱. ابوالحسنی معتقد است: «گوناگونی تعاریف دولت اولاً ناشی از تفاوت‌های نگرشی از جهات فلسفی، حقوقی، علمی و جامعه‌شناختی در مطالعه دولت است. ثانیاً ناشی از تمایزات در تصور عرصه و صحنه‌های سیاست اعم از داخلی، خارجی و بین‌المللی است» (ابوالحسنی، ۱۳۸۶: ۱۷). این گوناگونی و اختلاف‌نظرها پیرامون مفهوم دولت به حدی است که بعضی از پژوهش‌گران ۱۴۵ تعریف برای واژه‌ی دولت برشمرده‌اند که همه‌ی آن‌ها با هم اختلاف دارند (شریف القریشی، ۱۳۶۹: ۴۶).

که به صورت سازمان یافته دیده می شود». از نظر بلونشلی^۱، «دولت، مردمی از لحاظ سیاسی سازمان یافته در سرزمین معینی است». ویلسون^۲، «دولت را مردم سازمان یافته طبق کانون در سرزمینی معین» تعریف می کند. به عقیده گارنر^۳، «دولت، اجتماع انسان های کم و بیش زیادی است که سرزمینی را در تصرف دائمی دارند، از کنترل خارجی مستقل یا به تقریب مستقل اند و حکومت سازمان یافته ای دارند که بیشتر ساکنان آن سرزمین به طور عادت از آن اطاعت می کنند». دال^۴ گفته است: «به نظام سیاسی متشکل از ساکنان یک سرزمین و حکومت آن سرزمین دولت گفته می شود». تعریف مک آیور^۵ از دولت این است: «دولت مجتمعی است بنا به قانون، توسط حکومتی دارای قدرت اجبارکننده، در اجتماعی که سرزمین مشخصی دارد، شرایط عمومی و بیرونی نظم اجتماعی را حفظ می کند». از دیدگاه هارولد لاسکی^۶ نیز «دولت، اجتماعی سرزمینی که به حکومت و اتباع تقسیم شده و در داخل حوزهی معین شدهی خود ادعای برتری بر همهی نهادهای دیگر دارد» تعریف می شود (عالم، ۱۳۸۶: ۱۳۶-۱۳۷).

به دلایل متعددی باید درخصوص دولت به دقت اندیشید. از نظر عملی مشکل بتوان زندگی را بدون دولت تصور کرد. وجود دولت نه تنها مبین وجود مجموعه ای از نهادها است بلکه حاکی از وجود نگرش ها و شیوه های اعمال و رفتاری است که مختصراً مدنیت خوانده شده و به حق جزئی از تمدن به شمار می آیند. به یک عبارت خلاصه و موجزتر باید گفت که دولت شامل دو تصور عینی (نهادها) و ذهنی (نگرش ها) است. دوم اینکه دولت نهادی منفعل و بی طرف نیست که بتوان آن را نادیده گرفت و نه حاصل تصادف صرف و ساده است. زیرا که دولت دارای یک ریشه تاریخی بوده و ساخت آن در طی مرور زمان شکل گرفته و خود هم در تأثیرپذیری از اجتماع است و هم بر آن مؤثر است. سوم اینکه شکل دیگری که بر ابهام و پیچیدگی مفهوم دولت می افزاید اختلالات با مفاهیم دیگری است که ارتباط نزدیکی با مفهوم دولت دارند از جمله جامعه، جماعت، ملت، حکومت، سلطنت، حاکمیت و جز آن (وینسنت، ۱۳۸۱: ۱۷-۱۸).

مفهوم دولت در ادبیات سیاسی به دو معنا به کار رفته است: نخست به معنای

1. Bluntschli
2. Wilson
3. Garner
4. Dahl
5. Maclver
6. Harold Laski

«سلطه» یا «حکومت» و دوم، به معنای «مجموعه‌ی یک کشور»، «مردم» و «نظام مستقل سیاسی». در واقع، دولت مجموعه‌ی بزرگی از افراد است که در یک سرزمین معین به‌طور دائم زندگی می‌کنند و هویت، شخصیت و حکومت مستقل دارند (افضلی، ۱۳۶۴: ۱۵).

جدول ۱- برخی تعاریف دولت از منظر اندیشمندان و متفکران

متفکران عمده	جوهر دولت	تعریف دولت
جرج لویس بورگس	اجتماع سازمان‌یافته‌ی نوع بشر	بخش خاصی از اجتماع نوع بشر است که به‌صورت سازمان‌یافته دیده می‌شود
کاسپار بلونشلی	مردمی سازمان‌یافته از لحاظ سیاسی در سرزمین معین	مردمی از لحاظ سیاسی سازمان‌یافته در سرزمین معینی است
ماکس وبر	سازمان سیاسی اجباری دارای دولتی مرکزی	یک سازمان سیاسی اجباری است که دارای دولتی مرکزی بوده و سعی در برقراری انحصار قدرت قانون‌گذاری برای خود در داخل یک قلمرو مشخص دارد
ودرو ویلسون	مردمی سازمان‌یافته در سرزمین معین	مردم سازمان‌یافته طبق قانون در سرزمینی معین
جینیفر گارنر	اجتماع انسانی دارای سرزمین، حکومت سازمان‌یافته، کنترل خارجی مستقل و مطیع	اجتماع انسان‌های کم‌وبیش زیادی است که سرزمینی را در تصرف دائمی دارند، از کنترل خارجی مستقل یا به تقریب مستقل‌اند و حکومت سازمان‌یافته‌ای دارند که بیشتر ساکنان آن سرزمین به‌طور عادت از آن اطاعت می‌کنند
پیتر دال	نظام سیاسی متشکل از ساکنان سرزمین و حکومت مجتمعی قانون‌دار	به نظام سیاسی متشکل از ساکنان یک سرزمین و حکومت آن سرزمین دولت گفته می‌شود
رابرت مک‌آیور	حکومت، در سرزمینی مشخص و دارای نظم اجتماعی	دولت مجتمعی است بنا به قانون، توسط حکومتی دارای قدرت اجبارکننده، در اجتماعی که سرزمین مشخصی دارد، شرایط عمومی و بیرونی نظم اجتماعی را حفظ می‌کند
هارولد لاسکی	اجتماعی سرزمینی در حوزه‌ی معین	اجتماعی سرزمینی که به حکومت و اتباع تقسیم شده و در داخل حوزه‌ی معین شده‌ی خود ادعای برتری بر همه‌ی نهادهای دیگر دارد
دایموند کارفیلد گتیل	مجموعه‌ی افراد در منطقه‌ی معین و دارای حکومت مستقل	مجموعه افرادی است که منطقه‌ی معینی را اشغال می‌کنند و به‌طور همیشگی در آن به زندگی ادامه می‌دهند و از جهت حکومت و قانون تحت هیچ سلطه‌ی خارجی نیستند.